

معرفی و ارزیابی برخی از دستنویسهای شاهنامه*

اگر هدف از تصحیح انتقادی یک اثر این است که با بهره‌مندی از همه امکانات و توانشهای موجود به متن اصلی آن اثر نزدیک و نزدیکتر شویم، در این صورت باید در کار تصحیح هر اثر روشی برگزید و بایستهایی را نگاهداشت، تا زمینه‌ای استوار برای تصحیحهای سپسین فراهم آید و از دوباره کاریها جلوگیری شود. البته در زبان فارسی آثار بسیاری هست که بخاطر کم حجمی آنها می‌توان هر چند سال یکبار اگر لازم باشد آنها را از نو تصحیح کرد. ولی چنین کاری درباره برخی آثار مستبر کمتر شدنی است. بویژه اگر چنین اثری گذشته از ستبری از اهمیت و یژه‌ای نیز برخوردار باشد، و از نگاه دستوری و لغوی و سبکی اثری کهن باشد، و فراوان مورد دستبرد دیگران واقع شده باشد، و دستنویس معتبر و کهنی از آن در دست نباشد، و منظوم باشد...، در این صورتها دشواری کار تصحیح چند برابر بیشتر خواهد بود.

در مورد تصحیح شاهنامه همه این دشواریها یکجا موجودست و از این رو بخاطر اهمیتی که این اثر مستبر و مترگ برای زبان و ادب فارسی و تاریخ و فرهنگ ایران دارد، باید از تصحیحهای هوسی و بازار پرکن که بهره‌ای جز رواج دادن شاهنامه‌های پر غلط و ناصصل سنتی ندارند، کناره گرفت و بجای آن با برنامه‌ای دقیق دست به یک تصحیح اساسی زد که اگر آخرین تصحیح نباشد، که نخواهد بود و هیچگاه نخواهد بود،

* این مقاله در سه بخش از نظر خوانندگان ایران نامه می‌گذرد. ذکر این موضوع در اینجا لازم است که تاکنون درباره نسخه‌های خطی معتبر هیچ یک از متنها فارسی، مقاله‌ای با این دقت و وسواس نوشته نشده است. در این مقاله، محقق ارجمند آقای خالقی مطلق از بین صدها نسخه خطی شاهنامه فردوسی که در سراسر جهان پراکنده است، نخست ۴۵ نسخه خطی معتبر را بر طبق اصول متداول در نگارش فهرست نسخه‌های خطی معرفی نموده و سپس به ارزیابی دقیق پانزده نسخه درجه اول از بین آنها پرداخته‌اند.

دست کم گام بزرگی در راه تصحیح شاهنامه به جلو باشد و زمینه‌ای استوار برای تصحیح‌های سپین گردد و به سخن دیگر نوعی مادر چاپ بشمار آید.

برای تهیه چنین تصحیحی سه شرط را باید نگاهداشت:

۱- بررسی و ارزیابی شمار بزرگی از دستنویسهای شاهنامه و گزینش معتبرترین آنها.

۲- در تنظیم متن بجای روش منسوخ پیروی بی چون و چرا از اقدم نسخ یا اصح نسخ (Optimus Codex) و یا پیروی از شیوه سنتی ذوق سلیم، باید از روش انتقادی (Textual Criticism) پیروی کرد. منتها این روش انتقادی باید تفسیری باشد، یعنی مصحح در پایان کتاب یا در مجلدی جداگانه باید هم اصول روش خود را شرح دهد و هم دست کم در موارد مهم چرایی های درستی یا نادرستی ضبطی را که سبب گزیدن آن در متن یا افکندن آن از متن بوده‌اند برشمارد.

۳- در ثبت نسخه بدلها باید چنان دقت بخرج داده شود که ما را از رجوع به اصل دستنویسها بی نیاز گرداند. یک چنین دقتی با گزینش شیوه منفی در ثبت نسخه بدلها که تنها اختلاف نسخ را ثبت می کند بدست نخواهد آمد، بلکه باید در تصحیح شاهنامه شیوه مثبت را که هم اختلاف نسخ و هم توافق نسخ را ثبت می کند بکار بست. نگارنده در آینده درباره بایستهای دوم و سوم در مقاله‌ای جداگانه بتفصیل سخن خواهد داشت و نظر خود را با خوانندگان در میان خواهد گذاشت. در این مقاله می پردازیم به بایست نخستین، یعنی بررسی و ارزیابی دستنویسهای شاهنامه.

در تصحیح شاهنامه نخست باید روشن گردد که دشواری کار تصحیح تا کجا ناشی از دستبرد کاتبان و تا کجا شکافته از کم آگاهی خود مصحح است. البته این راز هیچگاه به گونه‌ای دلخواه گشوده نخواهد شد و مصححان و مؤلفان تا جهان برپاست تا صور اسرافیل برخی از عیوب کار خود را به گردن کاتبان و حروف چینها خواهند انداخت. ولی در هر حال اگر می خواهیم تصحیحی که از شاهنامه بدست می دهیم گامی به پیش و زمینه‌ای برای تصحیح‌های سپین باشد و از دوباره کاریها جلوگیری گردد، یک باید اصلی آن این است که مصحح مادر چاپ و مصححان پس از او هنگام روبرو شدن با دشواریهای تصحیح متن، این امید را نداشته باشند که شاید با رجوع به دستنویسهای دیگری مشکل آنها گشوده گردد. برای رسیدن به این هدف باید همان گونه که گفته شد شمار بزرگی از دستنویسهای موجود شاهنامه را بررسی کرد. البته بررسی همه

و
ار
ی
ی
شد
ن
گاه
بد
تهاا
طر
ران
ها
پر
یک
بودا
کن
در این
ست
پس

دستنویسهای شاهنامه که شمار آنها شاید از هزار هم بالا تر باشد و در کتابخانه ها و موزه ها و مجموعه های شخصی در سراسر جهان پراکنده اند، نه عملی است و نه سودمند. بلکه بسنده است اگر این کار را به بررسی دستنویسهایی که در سده های هفتم و هشتم و نهم و آغاز دهم هجری کتابت شده اند مرز بگیریم و این خود کاری بسیار بزرگ است. چه دسترسی به پیرامون صد دستنویس از تاریخ دارویی تاریخ و ناقص و کامل که از همین سیصد سال پاد شده بر جای مانده اند اگر بکلی ناشدنی نباشد، به یقین از توانایی و فرصت یک تن تنها بیرون است. این وظیفه ای بود که مؤسسه ای چون بنیاد شاهنامه با توانایی مالی و اداری و دیگر امکانات بسیار خود می توانست و می بایست انجام می داد و نیز دوسه تایی از معتبرترین این دستنویسها را بصورت افست منتشر می کرد.

نگارنده چون تهیه فیلم و عکس از همه دستنویسهای موجود این کتاب از سده هفتم تا آغاز دهم هجری را از فرصت و توانایی خود بیرون می دید، ناچار پس از تهیه شمار بزرگی از آنها کار تصحیح را آغاز نمود، ولی در ضمن کار تصحیح این کار را نیز همچنین دنبال می کند تا اگر به دستنویس معتبری برخورد آن را به پژوهندگان شاهنامه معرفی کند و در ادامه کار خود از آن بهره گیرد.

این مقاله به مصرفی دستنویسهای که تا کنون میکروفیلم آنها را بدست آورده ام اختصاص دارد و آن شامل دو بخش است. در بخش نخستین مشخصات تعداد چهل و پنج دستنویس شاهنامه از سده های هفتم تا آغاز دهم بطور کوتاه معرفی می گردند و سپس در بخش دوم پانزده تایی آنها که در تصحیح شاهنامه اساس کار نگارنده اند ارزشیابی می شوند.

الف - معرفی برخی از دستنویسهای شاهنامه

۱- دستنویس کتابخانه ملی فلورانس Biblioteca Nazionale Centrale di Firenze
بنشان Ms. Cl. III. 24، اندازه ۴۸×۳۲ سانتیمتر، ۲۶۵ برگ، ناتمام، بی تصویر، خط نسخ، کاتب ناشناس، محل نامعلوم، مورخ سی ام محرم ۶۱۴ هجری قمری (برابر ۱۲۱۷ میلادی).

این دستنویس با مقدمه منشور آغاز می گردد، ولی صفحات نخستین آن که شاید حاوی مقدمه کهن بوده افتاده است و تنها سه صفحه از اواخر آن که افسانه محمود و فردوسی است مانده است و پایان مقدمه نیز افتاده است و از این رو هجوتنامه و فهرست مطالب کتاب را هم ندارد. متن ناقص مقدمه چنین آغاز می گردد: کی بودی بدیهه انج از

وی درخواستندی در حال بگفتی... صفحات متن اصلی در چهار ستون جدول بندی شده اند و بیشتر صفحات یک یا دو لوح دارند که در آنها عباراتی به عربی و خط کوفی آمده است. ولی عبارت لوح نخستین آغاز متن اصلی به فارسی است و آن چنین است: بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر. شمار بیتهای صفحه ها متفاوت است. هر صفحه بدون لوح و سرنویس دارای ۵۴ بیت و اگر یک لوح داشته باشد ۴۶ بیت و اگر دو لوح داشته باشد ۳۸ بیت و اگر دو لوح و یک یا چند سرنویس داشته باشد از ۳۸ بیت هم کمتر می گردد. در بالای بیتها گاه در معنی و ترجمه واژه ها چیزی به ترکی عثمانی نوشته اند. این دستنویس تنها شامل نیمه نخستین شاهنامه یعنی تا پایان پادشاهی کیخسروست و صفحه آخر آن چنین ختم می گردد:

بر آن آفرین کافرین آفرید مکنان و زمان و زمین آفرید

تمام شد مجلد اول از شاه نامه پیروزی و خرمی روز سه شنبه سیتم ماه مبارک محرم سال ششصد و چهارده بحمد الله تعالی و حسن توفیق و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین الطیین. خواست از سیتم روز سی ام است و نه سوم. چون سوم را بصورت های سیم و سوم می نویسند. و دیگر این که روز سوم محرم سال ۶۱۴ چهارشنبه می شود و نه سه شنبه. ولی سی ام محرم آن سال روز سه شنبه بوده است. این دستنویس در سده شانزدهم در زمان پاپ هشتم گرگور به رم، و سپس در سده هفدهم به فلورانس رفته و در آنجا چند صد سال با عنوان از تفسیر قرآن پارسی ناشناس مانده بود تا آن که بهمت آقای پرفسور پیه مونتزه کشف گردید. هم ایشان در مقاله ای این دستنویس را بتفصیل معرفی کرده اند.^۱ بر طبق شمارش ایشان این دستنویس دارای ۲۱۹۴۷ بیت است که همین مقدار در چاپ اول مسکو ۲۲۶۴۷ بیت و در چاپ فولرس و بروخیم ۲۵۰۵۸ بیت است.

۲- دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن British Library، بنشان Add. 21103، ۲۹۷ برگ، پی تصویر، خط نسخ و نستعلیق، کاتب ناشناس، محل نامعلوم، مورخ محرم ۶۷۵ هجری قمری (برابر ژوئن / ژوئیه ۱۲۷۶ میلادی).

پنج صفحه مقدمه منشور و هشت صفحه آغاز شاهنامه تا اوایل داستان جمشید و یک صفحه از داستان رستم و سهراب و هفت صفحه دنباله آن از داستان سیاوش و یک صفحه پایان کتاب، یعنی جمعا بیست و دو صفحه آن بخط نو و نستعلیق است و بقیه بخط نسخ. بخشی که بخط نستعلیق است با شتاب و بی سلیقه نویسی نوشته شده است و بیشتر صفحات بدون جدول بندی است و کاتب با ولنگاری مصرعها را کوتاه و بلند نوشته و فاصله میان

م

او

د

و

ن

از

و

با

داد

تا

گی

بال

و در

ده ام

پنج

ن د

ایابی

Bib

ویر

ایر

شاید

مود

ترست

انج از

بیتها را یکسان نداشته است و برخلاف بخش اصلی که بندرت به تصحیحاتی در بالای واژه ها و کناره صفحات برمی خوریم، این صفحات نو پرست از تصحیحات و افزوده ها. و اما همین بخش نوبخط نستعلیق نیز بگمان نگارنده دو خط است، یعنی پنج صفحه مقدمه منشوز به خطی نوتر و زشت ترست و هفده صفحه بقیه به خطی دیگر و آنچه پس از مقدمه منشوز در آغاز متن اصلی کتاب، یعنی در دیباچه و داستانهای گیومرت و هوشنگ و طهمورت و جمشید در بالای بیتها و کنار صفحات افزوده اند بهمان خط مقدمه منشوزست. ما در بخش دوم این گفتار دوباره به این مطلب باز می گردیم.

مقدمه منشوز آن چنین آغاز می گردد: سپاس و آفرین خدایا که این جهان و آن جهان آفریند. بندگان را اندر جهان پدیدار کرد... این همان مقدمه کهن است، ولی پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه می انجامد. صفحه نخستین متن اصلی، یعنی آغاز دیباچه، دارای سبزلوح است با عبارت: هذا کتاب شاهنامه من کلام حکیم ابی القاسم فردوسی الطوسی رحمه الله تعالی. صفحات درشش ستون و ۲۹ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون سرنویس دارای ۸۷ بیت است. بخط کهن، یعنی خط اصلی با این بیت در داستان جمشید آغاز می گردد:

به چنگ آمدش چند گونه گهر چو یاقوت و بیجاده و سیم و زر
تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال چهارصد هجری قمری است و پایان صفحه آخر کتاب چنین است:

سرآمد کنون قصه یزد گرد	به ماه سفند ارمد روز ارد
ز هجرت شده پنج هشتاد بار	بسنام جهان داور کرد گار
چو این نامور نامه آمد بین	ز من روی کشور شود پر سخن
از آن پس نمیرم که من زنده ام	که تخم سخن من پراکنده ام
هر آنکس که دارد هش و رای و دین	پس از مرگ بر من کند آفرین

کتبت من النسخة فی محرم سنة خمس و سبعین و ستمایه. کذا فی منقول عنه سنة ۶۷۵. در آغاز این دستنویس یک نفر بخط نستعلیق شکسته و خوش بیتهایی نوشته:

دوستی با مردم دانا نکوست دشمن دانا به از نادان دوست الخ
و در میان آن بیتها بهمان خط تاریخ دهم ذی الحجه ۱۲۵۳ گذاشته است. در همین صفحه در بالا به انگلیسی نوشته است:

Obtained it about 1848 at Shiraz from a Parsee who brought it from Yezd at my request. H.S.

سال ۱۸۴۸ میلادی برابرست با سال ۱۲۶۴ هجری قمری (سال جلوس ناصرالدین شاه قاجار) که یازده سال پس از تاریخ پیشین، یعنی سال ۱۲۵۳ است. بدین ترتیب این دستنویس تا ۱۳۷ سال پیش در ایران بوده و در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه از ایران خارج شده است.

۳- دستنویس کتابخانه طوفاپوسرای دراستانبول^۱ Topkapi Sarayi Müzesi

۹۰ مجلس، خط نسخ، بخط حسن بن علی بن حسین بهمنی، مورخ بیستم صفر ۷۳۱
Kütüphanesi بنشان H. 1479، اندازه ۲۹ x ۵ / ۳۷ سانتیمتر، ۲۸۶ برگ، با
هجری قمری (برابر سوم دسامبر ۱۳۳۰ میلادی).

در صفحه نخستین کتاب بخط ثلث نوشته است: صاحبه و مالک اضعف العباد حمید الدین الکاتب بخزانه العامره نال الله مقاصده الی يوم الدين، صفحه سپسین در میانه یک ترنج و در بالا و پایین صفحه لوحه دارد و در کتیبه لوحه ها نوشته است: کتاب شاه نامه از گفتار — فردوسی رحمة الله علیه. ترنج میانه صفحه نیز کتیبه ای دارد که عبارت آن در میکرو فیلم خوانا نیست. متن کتاب با مقدمه منشور آغاز می گردد: سپاس و آفرین خدای را که این جهان و آن جهان آفرید و ما بندگان را اندر جهان پدیدار کرد... و این همان مقدمه کهن است، ولی پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجونا مه می کشد و در پایان فهرست مطالب کتاب می آید. دو صفحه نخستین مقدمه منشور دارای چهار لوح در بالا و پایین صفحات است و در کتیبه های آن نوشته است: بسم الله الرحمن الرحیم — و به نستعلیق و تنوکل علیه — بنام آنک هستی نام از ویافت — فلک گردش زمین آرام از ویافت. پس از مقدمه منشور دو تصویر تمام صفحه ای پهلوی یکدیگر دارد و پس از آن متن اصلی شاهنامه آغاز می گردد. دو صفحه نخستین متن اصلی دارای چهار لوح در بالا و پایین صفحات است و در کتیبه آنها نوشته است: الذکر المولی — بالتقدیم الاولی — ذکر القدیم — اولی بالتقدیم. این دو صفحه در چهار ستون و ۲۴ سطر و صفحات دیگر در شش ستون و ۳۴ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۱۰۲ بیت است. صفحه نخستین داستان لهر اسپ را در چهار ستون و ۲۲ سطر نوشته و اطراف آن را برای تزیین باز گذاشته است، ولی لوحه بندی آن انجام نگرفته است. تاریخ ختم شاهنامه در این کتاب سال چهار صد هجری است: سرآمد کنون قصه یزد گرد... (مانند دستنویس ۶۷۵). پس از آن بیتهایی در ستایش و نکوهش محمود آمده است که بیشتر آنها از هجونا مه و بیتهای الحاقی دیگر است. پایان متن صفحه آخر کتاب چنین است:

هر آنکس که دارد هش و رای و دین پس از مرگ بر من کند آفرین
تمام شد کتاب شاهنامه بفرخی و فیروزی بتاریخ بیستم ماه صفر حمله (؟) الله بالخیر و
الظفر سنه احدى وثلثین سبعمایه الهجریه بید العبد الضعیف المحتاج... [یعنی] الله تعالی
وغفرانه الحسن بن علی بن الحسین البهمنی غفر الله له ولوالدیه ولجميع المومنین والمومنات
والمسلمین والمسلمات رحمتک یا الله...

۴- دستنویس کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد، بنشان کاتالگ دُرُن، شماره ۳۱۶ -
۳۱۷، برگ ۳۶۹، یا ۵۲ مجلس، خط نسخ، بخط عبدالرحمن... بن ظهیر، مورخ سی ام
جمادی الاول ۷۳۳ هجری قمری (برابر شانزدهم فوریه ۱۳۳۳ میلادی).

از مقدمه منشور آن فقط صفحه آخر شامل فهرست پادشاهی اشکانیان و ساسانیان مانده
است. پس از آن دو تصویر تمام صفحه‌ای دارد و پس از آن متن اصلی شاهنامه آغاز
می گردد. صفحه نخستین متن اصلی دارای سرلوحه است با عبارت: بنام ایزد بخشاینده.
صفحات در چهار ستون و ۳۳ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و
سرنویس دارای ۶۶ بیت است. در کنار صفحات بخطی نوتر بیتهایی افزوده اند، ولی
تعداد آنها زیاد نیست. تا میانه های داستان فریدون پایین برخی از صفحات را پاک
کرده اند و بالا و کناره های متن برخی از صفحات نیز در اثر کهنگی رفته است و به متن
آسیب خورده است، ولی از میانه های داستان فریدون بجلو متن خوب و خواناست. این
کتاب جزو کتابهای وقف مقبره شاه صفی بوده و مهر وقف صفویه جای جای کتاب دیده
می شود با عبارت: وقف آستانه متبرکه صفیه صفویه. در کناره های صفحات بخط نو
شعارهای یا علی، یا الله یا محمد یا علی نوشته اند و گویا همین شیعی که این شعارها را
نوشته در بیتهای الحاقی مدح خلفا در دیباچه نیز دست برده است و اصل برخی واژه ها را
پاک کرده و آن را به ستایش علی برگردانیده است:

که خورشید بعد از رسولان مه	نبی و علی... (ناخواناست)
چو او کسرد اسلام را آشکار	بیاراست گیتی چو باغ بهار
پس از هر دوان بود اهل یقین	خداوند شرم و خداوند دین
چو اکنون علی بود جفت بتول	که او را بخوبی ستاید رسول

تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال چهارصد هجری قمری است: سرآمد کنون
قصه یزد گردد... (مانند دستنویس ۶۷۵). پایان متن صفحه آخر کتاب چنین است:
هر آن کس که دارد هش و رای و دین پس از مرگ بر من کند آفرین

تمام شد کتاب شاهنامه از اول تا آخر بفروختی و فیروزی و کتبہ عبدالرحم الح...
عبداللہ... بن احمد الظہیر [فی] تاریخ سلخ جمد الاول سنہ ثلاث وثلثین و سبعمایہ
الہجریہ... بالخیر.

۵- دستنویس کتابخانہ چستربیتی در دبلین Chester Beatty Library
بنشان Ms. P. 110 ، با ۱۶ مجلس، خط نسخ، کاتب ناشناس، مورخ ۷۴۱ هجری
قمری (برابر ۱۳۴۰ میلادی).

دستویس ناقصی است از شاهنامه. از مقدمه منشور آن چهار صفحه مانده است که دو
صفحه آن بخشی از مقدمه کهن است و دو صفحه دیگر فهرست مطالب کتاب. صفحات
متن در شش ستون و سی سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس
دارای ۹۰ بیت است. از متن شاهنامه نزدیک هشتاد برگ بیشتر ندارد و آن نیز پراکنده
است. متن برگهای مانده از این داستانها هستند: منوچهر، رزم هفت پهلوان، سهراب،
سیاوش، هفت خان اسفندیار، رستم و اسفندیار، شغاد، بهمن، اسکندر، اشکانیان،
اردشیر تا بهرام گور، انوشروان، هرمزد. چون پایان شاهنامه را ندارد، تاریخ و نام کاتب
آن هم نیست. در صفحات مانده دوسه جا مهری است که در میکروفیلم ناخواناست. از
این رو تاریخ ۷۴۱ هجری قمری که برای این دستنویس نوشته اند برای نگارنده شناخته
شد، ولی در کهنگی این دستنویس جای گمانی نیست.

۶- دستنویس دارالکتب قاهره، بنشان ۶۰۰۶ س، ۲۹۲ برگ، بدون تصویر، خط
نسخ، بخط محمد بن محمد بن محمد کیشی، مورخ پنجشنبه بیست و چهارم شوال ۷۴۱
هجری قمری (برابر دوازدهم آوریل ۱۳۴۱ میلادی).

این دستنویس با مقدمه منشور آغاز می گردد. آغاز آن را نمی توان خواند، ولی همان
مقدمه کهن است که پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه می انجامد. صفحه
نخستین مقدمه منشور دارای لوحه است با عبارت: [کتاب شاهنامه] من قول حکیم فردوسی
رحمة الله علیه. صفحه نخستین متن اصلی نیز دارای لوحه است با عبارت: بسم الله الذي
لا يضر مع اسمه شيء في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم. صفحات کتاب در چهار
ستون و ۳۱ سطر جدول بندی شده است و هر صفحه بدون سرنویس دارای ۶۲ بیت است.
شاهنامه در این دستنویس به دو بخش تقسیم شده است. بخش نخستین تا پایان داستان
کیخسرو که با این عبارت به پایان می رسد: تمت النصف الاول من الشاه نامج فی رجب

المرجب عمت ميامنه وبتلوه النصف الاخير بعون الملك اللطيف الخبير على يد اضعف عباد الله واحوجهم محمد بن محمد بن محمد الكيشي احسن الله عاقبته لمحمد والد اجمعين و يرحم الله عبادا فاك امين. بخش دوم با داستان لهراسپ آغاز می گردد که صفحه نخستین آن دارای لوحه است با عبارت: نصف اخير از شهنامه از قول حکيم فردوسی رحمة الله عليه. تاريخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال چهارصد هجری قمری است: سرآمد کنون قصه یزد گرد... (مانند دستنویس ۶۷۵). پایان متن صفحه آخر کتاب چنین است:

هر آنکس که دارد هش و رای و دین پس از مرگ بر من کند آفرین
بعد حمد الله ذی العزه الفاهره (؟) والحبته الباهره الذی ابتعث محمد امين خيرا روته العرب مولدا و افضل جرائیها مختدا فعليه صلوات الله عدد الرمل والحصی وما ظلمت علیه شمس الضحی انفق (؟) الفراغ من ثمیقه (؟) بحسن عناية الرب وتوفیقه صحوة (؟) يوم الخميس فی عشر اخير من شوال سنه احدى اربعین و سبعمائه للشاب المقبل ارغون الشمسی الکریمی الکازرونی اند الله ظل سیده و طاول عمره على اناهل العبد الضعیف الغریب النحیف المحتاج الى رحمة الله تعالى على نعمه السابقة والطافه والسابقه و امنتک الله حسن المتقلب و الخاتمه. رأفتک یا رحمن الدنيا ورحیم الاخره.

۷- دستنویس کتابخانه طوقا پوسرای در استانبول، بنشان ۱۵۱۱ H.، اندازه ۲۶×۱۶ سانتیمتر، ۲۸۸ برگ، با ۱۲ مجلس، خط نسخ، بخط مسعود بن منصور بن احمد متطیب در شیراز، مورخ شوال ۷۷۲ هجری قمری (برابر هجدهم آوریل ۱۳۷۱ میلادی).
آغاز این دستنویس افتاده است و با این بیت از داستان هوشنگ آغاز می گردد:
بفرمان یزدان پیروز گز بداد و دهش تنگ بسته کمر
صفحات کتاب در شش ستون و ۳۳ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۹۹ بیت است، ولی در برخی صفحات بیتهایی را هم چلیپا نوشته است. تاريخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال چهارصد هجری قمری است: سرآمد کنون قصه یزد گرد... (مانند دستنویس ۶۷۵). پایان متن صفحه آخر کتاب چنین است:

هر آنکس که دارد هش و رای و دین پس از مرگ بر من کند آفرین
وقد فرغ من تحریر هذا الكتاب لمسمى بشاه نامه بعون الله تعالى وحسن توفیقه و صلی الله على خير خلقه محمد وآله اجمعین کتبه العبد اصغر المذنب مسعود بن احمد المتطیب اصالح الله شأنه فی شهر شوال سنه اثنين وسبع و سبعمائه بمدینه شیراز. حمد الله تعالى. صفحه آخر دارای دو لوحه و خاشیه سازی است و در کتیبه های بالا و پایین صفحه عبارتی به کوفی

دارد که خوانا نیست.

۸- دستنویس دارالکتب قاهره، نشان تاریخ فارسی ۱۸، ۴۹۴ برگ، با ۵۱ مجلس، خط نستعلیق، کاتب تاشناس، مورخ؟

این دستنویس مقدمه منشور را ندارد و با متن اصلی شاهنامه آغاز می‌گردد. دو صفحه نخستین دارای چهار لوح در بالا و پایین صفحات است و میان بیتها هم ترین شده است و هر صفحه هفت بیت دارد که سه بیت آن را چلیپا نوشته است و لوحه بالای صفحات دارای این عبارت است: رب بسم الله الرحمن الرحيم و تمم بالخیر - آغاز کتاب اول شاهنامه من تصنیف فردوسی. صفحات دیگر کتاب در چهار ستون و ۳۳ سطر جدول بندی شده‌اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۶۶ بیت است. ولی در برخی صفحات بیتهایی را هم چلیپا نوشته است. متن شاهنامه در این دستنویس به چهار دفتر تقسیم شده است. دفتر نخستین از آغاز تا پایان داستان فرود. در پایان دفتر نخستین نوشته است: تمت تمام شد کتاب اول شاهنامه. دفتر دوم از آغاز داستان کاموس کشانی تا پایان پادشاهی کیخسرو. صفحه نخستین این دفتر دارای سرلوحه است با عبارت: آغاز کتاب دوم شاهنامه. و در پایان این دفتر نوشته است: تمام شد دفتر دوم شاهنامه فردوسی. دفتر سوم از آغاز پادشاهی لهراسپ تا پایان پادشاهی قباد. صفحه نخستین این دفتر دارای سرلوحه است با عبارت: آغاز کتاب سیوم شاهنامه. و در میان عبارت پس از کتاب نوشته است: بسم الله الرحمن الرحيم. و در پایان این دفتر نوشته است: تمام شد دفتر در آخر روز. دفتر چهارم از آغاز پادشاهی انوشروان تا پایان کتاب. صفحه نخستین این دفتر دارای سرلوحه است با عبارت: بسم الله الرحمن الرحيم. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال ۳۷۴ هجری قمری است و پایان متن صفحه آخر کتاب چنین است:

سرآمد کنون قصه یزدگرد بسماء سپندار آورد زرد(?)

ز هجرت سه صد سال و هفتاد و چار بسنام جهان داور کردگار

تمت تمام شد.

بر طبق گزارش آقای عبدالمنعم محمد موسی مدیر دارالکتب در نامه مورخ ۱۹۸۰/۳/۲۶ تاریخ این دستنویس سال ۷۳۳ و بر طبق کتابشناسی فردوسی^۲ سال ۷۷۳ هجری قمری است. ولی نگارنده در این دستنویس تاریخی ندید. این دستنویس بخاطر متن بسیار فاسد و خط نستعلیق خوش آن نمی‌تواند از سده هشتم باشد و از سال ۷۳۳ هرگز.

م

باد

و

ن

یه.

نون

رب

مس

عشر

یمی

صیف

لب و

۲۶۸

نطب

مویرو

است.

د کنون

بلی الله

یا اصلح

نحه آخر

به کوفی

۹- دستنویس دارالکتب قاهره، بنشان تاریخ فارسی ۷۳، ۲۲۱ برگ، با ۶۷ مجلس، خط نستعلیق، بخط لطف الله بن محیی بن محمد...، در شیراز، مورخ ۷۹۶ هجری قمری (برابر ۱۳۹۴ میلادی).

این دستنویس با مقدمه کهن آغاز می گردد، ولی صفحه نخستین آن افتاده است و آغاز صفحه دوم آن چنین است: خواجه بلعمی بران داشت تا از زبان تازی بزبان فارسی گردانید... پایان مقدمه به افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه می انجامد. دو صفحه نخستین دارای چهار لوح در بالا و پایین صفحات بوده است، ولی تنها صفحه دوم آن مانده است. صفحه نخستین متن اصلی دارای سرلوحه است با عبارت: باسم الملك الوهاب. همچنین صفحه نخستین پادشاهی لهراسپ دارای سرلوحه است. صفحات کتاب در ۶ ستون و ۳۱ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۹۳ بیت است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس ۳۸۴ هجری قمری است. پایان متن صفحه آخر کتاب چنین است:

سرآمد کنون قصه خسروان بروز همایون و بخت جوان
تن شاه محمود آباد باد سرش سبز و جان و دلش شاد باد
بدو مانند این نامه را یادگار بشش بیور ابیاتش آمد هزار
ز هجرت سیصد سال و هشتاد و چهار بشام جهان داور کردگار

پس از این بیتها لوح چهار گوش بزرگی دارد که در میان آن ترنجی است و اطراف ترنج را گل و بوته انداخته است و بیرون لوح را هم حاشیه سازی کرده است. در کتیبه بالا و پایین لوح دوبیت شعر نوشته و در کتیبه ترنج عبارت تاریخ کتابت آمده است. در بالا و پایین حواشی نیز چهار عبارت کوچک هست که ناخواناست. عبارت کتیبه های لوح و ترنج درون آن چنین است:

تعة الكتاب بعون الملك الوهاب... وصلى الله على آله وصحبه (?) اجمعين كتبه... العبد
الضعيف المحتاج... لطف الله بن محیی بن محمد... فی شهر سنه ست وتسعين وسبعماية
الهجرة النبوية فی دارالملك شیراز حماه الله تعالى...

بعون بخت سلطانی که چون او نبیند تخت دولت تاجداری
درین دفتر ز لطف و عسیان آورده ام خرم بهاری

۱۰- دستنویس مؤسسه شرقشناسی کاما در بمبئی، ۳۰۹ برگ، با ۴۵ مجلس، خط نسخ، کاتب ناشناس، بدون تاریخ، از ثلث نخستین سده هشتم هجری قمری.

دستنویس ناقصی است که پایان آن و برخی از صفحات دیگر آن افتاده است و آنچه مانده است در هم ریخته است. از مقدمه منشور آن تنها یک صفحه فهرست مطالب بخش اشکانیان و ساسانیان مانده است. گویا آخرین برگ آن از داستان جنگ بهرام چوبینه با پرموده در زمان پادشاهی هرمزدست و بقیه برگهای آن افتاده است. از داستانهای دیگر نیز داستان رستم و سهراب را ندارد و افتادگیهای بسیار دیگر نیز دارد. از همه بدتر این که برگهای مانده نیز چنان از اطراف و میانه متن رفتگی و خوردگی دارد که استفاده از آنها نیز دشوار است. صفحات کتاب در چهار ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده و هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۵۰ بیت است. دو صفحه نخستین متن دارای سرلوحه هستند، ولی بخش بزرگ آنها رفته است.

درباره این دستنویس در ایران سخن بسیار رفته است و آقای مهدی غروی در مقام معاون رایزنی فرهنگی ایران در هند نخستین بار متوجه اهمیت و قدمت این دستنویس شده اند و آن را معرفی کرده اند. ایشان بر اساس تصویرهای این دستنویس معتقدند که این دستنویس متعلق به دوره پیش از ایلخانان، یعنی از نیمه نخستین سده هفتم هجری است.

نخست این که ویژگیهای رسم الخط این دستنویس نشان می دهد که تاریخ آن از نیمه نخستین یا ثلث نخستین سده هشتم تازه تر نیست. این دستنویس در بخشی که نگارنده از شاهنامه تصحیح کرده است یعنی تا پایان کیکاووس، دو تا از روایات بزرگ الحاقی را ندارد که عبارت باشند از: کشتن رستم پیل سپید و گرفتن دژ سپند را، و دیگر: آوردن رستم کیکاووس را از البرز، که این هم در تعیین اعتبار و قدمت این دستنویس نکته ای مثبت بشمار تواند رفت. ولی از سوی دیگر روایات الحاقی دیگر را دارد و بویژه اعتبار این دستنویس در ضبط واژه ها از دستنویسهای فلورانس مورخ ۶۱۴ و لندن مورخ ۶۷۵ و استانبول مورخ ۷۳۱ و قاهره مورخ ۷۴۱ کمترست. البته این یک مطلب استثنائی نیست و ما دستنویس لنینگراد مورخ ۷۳۳ را هم داریم که اعتبار آن با تاریخ آن نمی خواند. و از این رو دستنویس کاما را نیز می توان بخاطر ویژگیهای رسم الخط آن از ثلث نخستین سده هشتم گرفت و گفت اعتبار آن کمتر از قدمت آن است. ولی این که این دستنویس از سده هفتم هجری و حتی از نیمه نخستین سده هفتم باشد، بر اساس متن آن هرگز بنده از فن شریف تصویرشناسی سر رشته ندارم و به چشم من همه نقاشی ها یک شکل اند. ولی این نکته به گوشم خورده است که گاهی کاتبی متنی را می نویسد و جای تصویرهای آن را خالی می گذارد، ولی به عللی کار مصور کردن کتاب مثلاً صد سال

نم
،
ی
و
می
حه
آن
ک
ات
یس
ت.

نج را
بالا و
بالا و
لوح و
البد
بعمايه

خط

به عقب می افتد و از این رو تصویرهای کتاب صد سال جوانتر از متن کتاب می گردد. حالا شاید در مورد دستنویس کاما عکس آن انجام گرفته است. یعنی یک نفر نخست تصویرهای کتاب را کشیده و صد سال بعد یک نفر دیگر آن را کتابت کرده است! بیخود نیست که در مقدمه منشور شاهنامه درباره این کتاب آمده است: و چیزها اندرین نامه یابند که سهمگین نماید و این نیکوست چون مغزاو بدانی!

چون ما در این گفتار دیگر درباره این دستنویس سخنی نخواهیم داشت از این رو در اینجا اندکی از رسم الخط آن یاد می کنیم: حرف های پ، چ را با یک نقطه، ولی حرف ژ را با سه نقطه می نویسد. حرف ی را بصورت ی و می می نویسد. در صورت نخستین دو نقطه در شکم آن و در صورت دوم دو نقطه در زیر آن می نهد. قاعده ذال و علامت تشدید را رعایت می کند. که را بصورت کی و چه را گاه به واژه سپسین پیوند می دهد: شها من جکردم، بهانه جداری، جگفتند. آنک و آنج می نویسد. یای لیت را میان واژه های انجامیده به مصوت و کسره اضافه بصورت همزه می نویسد: فرستاده سلم، خیمهء پلنگ و اگر بجای کسره اضافه یای وحدت، یای نکره، ضمیر دوم شخص مفرد و یا مصوت دیگر بیاید، یای لیت را بشکل دندانۀ حرف ی می نویسد، گاه با نقطه و گاه بی نقطه، و گاه هم بصورت الف: کدخدایی، رهایی، پیویم، توایم.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱۱- دستنویس کتابخانه چسترینی در دبلین، بنشان Ms. P. 114، با ۵ مجلس، خط نسخ، کاتب ناشناس، مورخ؟

دستنویس ناقصی است از شاهنامه که آغاز آن تا اواخر داستان منوچهر افتاده است و از میانه روایت گرفتن رستم کوه سپند را آغاز می گردد و برخی از صفحات آن هم در هم ریخته است. صفحات درشش ستون و ۳۳ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۹۹ بیت است. ولی در برخی صفحات بیت هایی را هم چلیپا نوشته است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال چهارصد هجری قمری است: سرآمد کنون قصه یزد گردد... (مانند دستنویس ۶۷۵). پایان متن صفحه آخر چنین است:

هر آنکس که دارد هش و رای و دین پس از مرگ بر من کند آفرین

ثم الكتاب الموسوم بشاهنامه بحمد الله وحسن توفيقه والصلوة والسلام على نبيه محمد وآله وصحبه الطيبين الطاهرين وسلم تسليماً دائماً كثيراً.

شد ختم ز فضل حق بنوک خامه	در دولت سلطان جهان شهنامه
مانند کتاب، کاتب از دولت شاه	خواهد که شود شاد بزر و جامه

در گوشه کتاب تاریخ را نوشته، ولی ناخواناست. کتابخانه چستربیتی آن را سال ۸۰۰ هجری قمری (۱۳۹۸ میلادی) و در کتابشناسی فردوسی سال ۷۹۹ تعیین کرده‌اند.

۱۲- دستنویس کتابخانه طوقاپوسرای دراستانبول، بنشان H. 1515، اندازه ۲۶×۱۸ سانتیمتر، ۶۲۲ برگ، با ۵۰ مجلس، خط نستعلیق، بخط هبة الله بن محمد بن مسعود بن یحیی بن مسعود قاضی مرشدی، مورخ یکم ربیع الثانی ۸۰۳ هجری قمری (برابر نوزدهم نوامبر ۱۴۰۰ میلادی).

دو صفحه نخستین کتاب دارای دو ترجع است. سپس مقدمه منشور آغاز می‌گردد: سپاس و آفرین خدایا که این جهان و آن جهان را آفرید و بندگان را اندر جهان پدیدار کرد... و این مقدمه همان مقدمه کهن است، ولی پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه می‌انجامد. دو صفحه نخستین مقدمه منشور دارای چهار لوح در بالا و پایین صفحات است و در کتیبه‌های آن نوشته است:

درین لوح لطیف سیم پیکر
نوشته نظم فردوسی طوسی
بصد آیین و زینت و فر
که... باد در فردوس اتور

صفحه نخستین متن اصلی دارای سرلوحه است با عبارت: آغاز داستان شاهنامه. صفحات کتاب در چهار ستون و ۲۳ سطر جدول بندی شده‌اند. هر صفحه بدون تصویر و سرفویس دارای ۴۶ بیت است. در صفحات این دستنویس جای چند مهرست که یکی از آنها عبارت العبد حاجی محمد دارد با تاریخ ۹۰۹. این دستنویس روایت سده و روایت کشتن دستم پیل سپید و گرفتن دژسپند و روایت پادشاهی گرشاسب را که همه الحاقی اند ندارد. ولی روایات الحاقی دیگر را دارد و دروازه‌های آن دستبرد کم نیست. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال ۳۸۴ هجری قمری است و پایان صفحه آخر آن چنین است:

سرآمد کنون قصه یزدگرد
ز هجرت شده سیصد از روزگار
بسماء سفند ارمذ روز ارد
چو هشتاد و چار از برش بر شمار

ثم الكتاب المسمى بشهنشاه نامه (؟) من اقوال افضل الشاعرین و اکمل المتقدمین مولانا فردوسی روح الله تعالی روحه و جعل فی اعلى علین درجه فی غرة شهر ربیع الثانی سنة ثلاث ثمانمائه... کتبه اضعف عباد الله و اقل خلق الله المعبود والموجود الغنی هبة الله بن محمود بن مسعود بن یحیی بن مسعود قاضی المرشدی.

به بخشایش کریم و پادشاهی
ببخشا بر نویسنده الهی

۱۳- دستنویس کتابخانه دانشگاه لیدن در هلند (Universiteitsbibliothek Leiden) بنشان Or. -Nr. 494، ۵۴۷ برگ، با ۱۹ مجلس، خط نستعلیق، بخط عمادالله بن عبدالرحمن کاتب، مورخ شنبه پانزدهم رمضان ۸۴۰ هجری قمری (برابر بیست و سوم مارس ۱۴۳۷ میلادی).

این دستنویس با مقدمه مشور آغاز می گردد: سپاس و آفرین خدایرا که این جهان و آن جهان را آفرید و بندگان را اندر جهان پدیدار کرد... و این همان مقدمه کهن است، ولی پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه می انجامد. صفحه نخستین مقدمه مشور دارای سرلوحه است و در کتیبه آن به خط کوفی نوشته است: ذکر اعلی. دو صفحه نخستین متن اصلی دارای چهار لوح در بالا و پایین صفحات است و متن در دو ستون و یازده بیت نوشته شده و میان بیتها را هم ترین کرده است. در کتیبه لوحه های بالا و پایین صفحات نوشته است:

سکه کاندلر سخن فردوسی طوسی نشاند
کافرم گر هیچکس در زمرة فرسی نشاند
اول از بالای کرسی چون سخن آمد فردوس
او سخن را برگرفت و باز با کرسی نشاند
صفحات دیگر کتاب در چهار ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده اند و هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۵۰ بیت است، ولی در برخی صفحات بیتهایی را هم چلیپا نوشته است. در این دستنویس کتاب به دو مجلد تقسیم شده است. مجلد نخستین تا پایان کیخسرو و آن با این عبارت پایان می رسد: تمت مجلد اول شاهنامه بعون الله تعالی و حسن توفیق. مجلد دوم با پادشاهی لهراسپ آغاز می گردد و صفحه نخستین آن دارای سرلوحه است با عبارت: پادشاهی کردن لهراسپ. تاریخ ختم شاهنامه در این کتاب سال ۴۰۰ هجری قمری است: بر شد کنون قصه یزد گرد... (مانند دستنویس ۶۷۵). پس از آن بیتهایی در ستایش و نکوهش محمود آمده است. پایان صفحه آخر کتاب چنین است:
از آن پس نمیرم که من زنده ام
که تخم سخن من پراکنده ام
تمام شد کتاب شاهنامه از گفتار ملک الشعرا حکیم منصور ابوالقاسم فردوسی رحمة الله علیه کتبه العبد عمادالله بن عبدالرحمن الکاتب عفا الله عنه في يوم السبت خامس عشر رمضان سنه اربعین وثمانمائه. و در پایین در گوشه راست صفحه نوشته است: دیده شد.

۱۴- دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن بنشان Or. 1403، ۵۱۳ برگ، با ۹۳ مجلس، خط نستعلیق، بخط... بن محمد شیر... مورخ چهارشنبه یازدهم رمضان ۸۴۱ هجری قمری (برابر هشتم مارس ۱۴۳۸ میلادی).

این دستنویس با مقدمه مشور آغاز می گردد: سپاس آفرین خدایا که این جهان و آن جهان آفرید و بندگان را از جهان پدید کرد... این همان مقدمه کهن است، ولی پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه می انجامد. صفحه نخستین متن مقدمه مشور دارای سرلوحه است با عبارت واذکروالله الاعلی. پس از مقدمه مشور ترنجی در میان صفحه دارد که گویا متنی هم در آن نوشته که در میکروفیلم سیاه است و دیده نمی شود. پس از آن دو تصویر تمام صفحه ای دارد و سپس متن اصلی آغاز می گردد. دو صفحه نخستین متن اصلی دارای چهار لوح در بالا و پایین صفحات است و در کتیبه آنها نوشته است: کتاب شاهنامه - گفتار فردوسی - بفرمان پادشاه غازی - سلطان محمود غازی. متن این دو صفحه در دو ستون و ۱۱ سطر و صفحات دیگر در چهار ستون و ۲۷ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۵۴ بیت است. در کناره صفحات بخط نستعلیق جدیدتری بیت های فراوانی افزوده اند. و جز آن یک نفر دیگر نیز بخط زشت و کود کانه ای بیت هایی افزوده است. در تاریخ هفتم ماه صفر ۱۰۹۱ یک نفر این دستنویس را خوانده و این واقعه را در چهار بیت سروده و در آغاز کتاب افزوده است. در کناره همان صفحه نوشته است که محمد شاه نامی در تاریخ ۲۹ ربیع الاول سنه ۶ (سال ۶ تقویم الهی برابر ۹۶۸ هجری قمری) این دستنویس را از صحاف برای شرف الدین نامی که مهر او در همان صفحه هست خریداری کرده است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال ۳۸۴ هجری قمری است:

سرآمد کنون قصه یزد گرد بمه ماه سفند ارمه روز ارد
ز هجرت شده سیصد از روزگار چو هشتاد و چار از برش بر شمار
پس از آن چند بیتی از هجوتامه آمده است و سپس در پنجاه و پنج بیت مست کاتب درباره دستنویس اساس خود و سرگذشت خود توضیحاتی داده است که ما پایین تر در بخش دوم این گفتار از آن یاد خواهیم کرد. پایان صفحه آخر این دستنویس چنین است:
هر که خواند دعا طمع دارم زانک من بنده گنه کارم
تمام شد کتاب شاهنامه بمبارکی و طالع سعد در وقت چاشتگاه روز چهارشنبه یازدهم ماه مبارک رمضان فی تاریخ احدی و اربعین و ثمانمیه بدست... بن محمد شیر...

۱۵ - دستنویس کتابخانه دانشگاه کمبریج University Library Cambridge
بنشان Or. 420 ، ۲۸۲ برگ، با یازده مجلس، خط نستعلیق، کاتب ناشناس، مورخ
۸۴۱ هجری قمری (برابر ۱۴۳۷/۱۴۳۸ میلادی).

نون
تلیقه
ن تا
لی و
ارای
سال
س از
ت:
نه الله
یضان

با ۹۳
ن ۸۴۱

از مقدمه منشور آن آغازش افتاده است و آنچه مانده افسانه محمود و فردوسی و هجوناامه است. صفحه نخستین متن اصلی دارای سرلوحه است با عبارت: بسم الله الرحمن الرحيم. صفحات کتاب در چهار ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۵۰ بیت است، ولی در برخی صفحات بیت هایی را هم چلیپا نوشته است. این دستنویس تنها نیمه نخستین شاهنامه، یعنی تا پایان کیخسرو را دارد. در صفحه آخر کاتب بیت هایی از خود افزوده است و کتاب با این بیت پایان می رسد:

کنون تاج و اورنگ لهراسپ شاه بیارایم و برنشانم بگاه
در گوشه راست صفحه تاریخ ۸۴۱ به رقم نوشته شده است.

۱۶- دستنویس کتابخانه ملی پاریس Bibliothèque Nationale Paris، نشان Suppl. Pers. 493، ۵۵۷ برگ، با ۴۹ مجلس، خط نستعلیق، بخط یعقوب بن عبدالکریم، مورخ سه شنبه پنجم ذوالقعدة ۸۴۱ هجری قمری (برابری ام آوریل ۱۴۳۸ میلادی).

این دستنویس با متن اصلی آغاز می گردد و مقدمه منشور را ندارد. دو صفحه نخستین دارای چهار لوح در بالا و پایین صفحات است و در کتیبه های آنها نوشته است:

آفرین بر روان فردوسی آن سخن آفرین فرخنده
اونه استاد بود و ما شاگرد او خداوند بود و ما بنده

دو صفحه نخستین در دو ستون و ۱۱ سطر و صفحات دیگر در چهار ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۵۰ بیت است، ولی در برخی صفحات بیت هایی را نیز چلیپا نوشته و میانه آنها را گل و بوته انداخته است. در این دستنویس چند صفحه ای هم جدول بندی شده، ولی سفید مانده است. در کناره برخی از صفحات کسی با امضای لاری توضیحاتی به نثر درباره مطالب کتاب افزوده است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال ۳۸۴ هجری قمری است، پایان صفحه آخر کتاب چنین است:

ز هجرت سه صد سال و هشتاد و چار	به نام جهان داور کردگار
تسن شاه محمود آباد باد	مرش سبز و جان و دلش شاد باد
بدو ماندم این نامه را یادگار	بشش بیور ایاتش آمد شمار
هزاران درود و هزاران ثنا	ز ما آفرین باد بر مصطفی
و بر اهل بیتش همیدون چنین	همی آفرین خوانم از بهر دین

تمت الكتابة الشاه نامه من المنشات استاد الشعرا فردوسی الطوسی علیه الرحمة والغفران
فی يوم الثلثا خامس من شهر ذوالقعدة الحرام لسنة اربع واربعين وثمانماية على يد العبد
الضعيف النحيف المحتاج الى رحمة الملك الرؤف الرحيم يعقوب بن عبدالكريم اصلح الله
شانه.

۱۷- دستنویس کتابخانه ملی پاریس، نشان 494، Suppl. Pers. ۶۷۱، برگ،
با ۱۷ مجلس، خط نستعلیق، بخط محمد سلطانی، مورخ پنجشنبه بیست و هفتم جمادی
الاول ۸۴۸ هجری قمری (برابر یازدهم سپتامبر ۱۴۴۴ میلادی).

این دستنویس مقدمه منشور را ندارد و با متن اصلی آغاز می گردد. دو صفحه نخستین
دارای چهار لوح در بالا و پایین صفحات است و میان بیتها نیز تزیین شده است. متن این
دو صفحه در دو ستون و ۹ سطر و صفحات دیگر در چهار ستون و ۲۱ سطر جدول بندی
شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۴۱ بیت است، ولی در برخی
صفحات بیتهایی را هم چلیپا نوشته است. از صفحه سوم تا هفت صفحه ای کناره
صفحات رفتگی دارد و به متن آسیب خورده است. در این دستنویس شاهنامه به دو مجلد
تقسیم شده است. مجلد نخستین تا پایان داستان کیخسرو و تمام می شود با عبارت: تمام
شد نصف کتاب شاه نامه. مجلد دوم با داستان لهراسپ آغاز می گردد که صفحه نخستین
آن دارای سرلوحه است با عبارت: بسم الله تیمنا یدکر. عبارت سرنویسهای کتاب را نیز
تزیین کرده است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس هم سال ۳۸۴ و هم سال ۴۰۰
هجری قمری است:

بنام جهان داور کردگار ز هجرت سه صد سال و هشتاد و چار
به ماه سفند ارمد روزارد بسر شد کنون قصه یزدگرد
ز هجرت شده پنج هشتاد بار که گفتم من این قصه شاهوار
پس از آن بیتهایی در ستایش و هم نکوهش محمود از هجوتامه آمده است. متن پایان
صفحه آخر کتاب چنین است:

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بسر محمد علیه السلام
و بسر آل و اولاد او اجمعین ابر طیبین و ابر طاهرین
تمام شد کتاب شاه نامه بفرخی و فیروزی بحمد الله و حسن توفیقه رحم الله لناظمه و
لکاتبه و لمن نظرفیه و لمن دعا له و قال امین و فرغ من کتابته يوم الخميس السابع والعشرين
شهر جمادی الاول لسنة ثمان واربعين وثمانمئة الهجرية و صلى الله على محمد واله على

یدالعبد الفقیر محمد السلطانی احسن الله احواله.

۱۸- دستنویس کتابخانه پاپ در واتیکان *Biblioteca Apostolica Vaticana*، بنشانی Ms. Pers. 118، ۵۶۴ برگ، بدون تصویر، خط نستعلیق، بخط علی بن نظام دامغانی در یزد، مورخ ۸۴۸ هجری قمری (برابر ۱۴۴۴ میلادی).

این دستنویس با مقدمه منثور آغاز می گردد: سپاس و ستایش هر خدا را عزوجل که خدای هر دو جهانست و آفریدگار زمین و زمان است... این همان مقدمه کهن است، ولی پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه می انجامد. دو صفحه نخستین کتاب هر یک دارای یازده سطر و دو لوح اند و در لوحه ها کتیبه ای دارد بخط کوفی:

بر شاهان عالم شاهنامه فزون آمد ز گنج خسروانی

براننده (؟) چون فردوسی اعلی فروزاننده چون منبع المثنائی^۵

صفحه نخستین متن اصلی هم دارای سرلوحه است با عبارت: بنام ایزد بخشاینده. در برخی از صفحات برای تصویر جای خالی گذاشته اند، ولی کتاب نامصور مانده است. صفحات کتاب در چهار ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده اند و هر صفحه بدون جای خالی و سرنویس دارای ۵۰ بیت است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال چهارصد هجری قمری است. متن پایان صفحه آخر کتاب چنین است:

سرآمد کنون قصه خسروان به فال همایون و بخت جوان

ز هجرت شده پنج هشتاد بار به نام جهان داور کردگار

کتبه العبد الفقیر علی ابن نظام الدامغانی احسن الله عواقبه فی شهر ثمان اربعین و ثمانیة بدار العبادة یزد عمرها الله و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین.

۱۹- دستنویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد *Institut Vostokovedenija Akad. Nauk SSSR*، بنشانی S. 1654، با ۲۷ مجلس، خط نستعلیق، بخط محمد بن جلال رشید، مورخ اوایل رمضان ۸۴۹ هجری قمری (برابر اوایل دسامبر ۱۴۴۵ میلادی).

این دستنویس با مقدمه منثور آغاز می گردد: سپاس و آفرین خدای را جل جلاله که این جهان و آن جهان آفرید و ما بندگان را اندر جهان پدید آورد... این مقدمه همان مقدمه کهن است ولی پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه می انجامد. دو صفحه نخستین کتاب دارای چهار لوح در بالا و پایین صفحات است و هر صفحه ای یازده سطر

دارد. صفحه نخستین متن اصلی نیز دارای سرلوحه است با عبارتی بخط کوفی: بسم الله الرحمن الرحيم. صفحات در شش ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده اند و هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۷۵ بیت است. بخش بزرگی از آغاز این دستنویس از جای خود به میانه کتاب رفته و برگهای آن هم در هم ریخته است. این دستنویس متعلق به نوه محمد علی شاه قاجار بوده به نام عمادالدوله بن عمادالدوله بن محمد علی ملقب به دولتشاه ابن خاقان فتحعلی شاه قاجار و آن را در تاریخ ۱۸ جمادی الاولی سال ۱۳۱۷ هجری قمری از دارالسلطنه قزوین برای سفیر روس هدیه فرستاده است و این مطلب را بخط خود در گوشه راست پایین صفحه آخر کتاب نوشته است. در آغاز و پایان کتاب نیز مهر او با امضای عمادالدوله و تاریخ ۱۳۰۴ هست. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال چهارصد هجری قمری است. متن پایان صفحه آخر کتاب چنین است:

سرآمد کنون قصه یزدگرد به ماه سفند ارمز(?) روز ارد
ز هجرت شده پنج هشتاد بار به نام جهان داور کردگار
خرده العبد الفقیر الی الله العلی الحمید محمد بن جلال الرشید فی اوایل رمضان
المبارک سنه ۸۴۹.

۲۰- دستنویس کتابخانه بادلیان در اکسفورد Bodleian Library، بنشان Ms. Pers. C. 4، ۵۳۹ برگ، بدون تصویر، خط نستعلیق، بخط عبدالله بن شعبان بن حیدر اشترجانی، مورخ چهارم شعبان ۸۵۲ هجری قمری (برابر ۳ اکتبر ۱۴۴۸ میلادی).

این دستنویس با مقدمه منشور آغاز می گردد: سپاس و ستایش مر خدا را عزوجل که خدای هر دو جهان است و آفریدگار زمین و زمان... ولی مقدمه کهن را ندارد و تنها شرح افسانه محمود و فردوسی و هجونا مه است. دو صفحه نخستین کتاب دارای چهار لوح در بالا و پایین صفحات است و متن هر صفحه را در سیزده سطر نوشته است و در کتیبه لوحه ها آمده است:

مکه ای کاندلر سخن فردوسی طوسی نشاند تا نهنداری که کس در زمره فرسی نشاند
اول از بالای کرسی بر زمین آمد سخن اود گربازش به بالا برد و بر کرسی نشاند

صفحه نخستین متن اصلی نیز دارای سرلوحه است با این عنوان بخط کوفی: کتاب فردوسی طوسی رحمة الله علیه. صفحات کتاب در چهار ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده اند و هر صفحه بدون سرنویس دارای ۵۰ بیت است. در این دستنویس جاهایی را

سوم

، Bi

، بن

ل که

ولی

ب هر

ده. در

است.

ن جای

ن سال

ربعین و

Institu

جلس،

ی (برابر

جلاله که

ان مقدمه

و صفحه

ازده سطر

برای تصویر خالی گذاشته اند، ولی بی تصویر مانده است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال چهارصد هجری است: سرآمد کنون قصه یزدگرد... (مانند دستنویس ۶۷۵). متن پایان صفحه آخر کتاب چنین است:

پس از مرگ بر من کنند آفرین هر آنکس که دارد هش و رای و دین

تم الكتاب الموسوم بشاهنامه افصح المتکلمین و املح المتقدمین الفردوسی الطوسی اصلح
الله شأنه فی رابع شعبان المعظم سنه اثنی و خمسين وثمانمائه کتبه العبد الضعیف المحتاج
عبدالله بن شعبان بن حیدر الاشرجانی عفا الله عنهما.

خطم هر چند دیدن را نشاید بنا بر حکم مخدومی نوشتم

۲۱- دستنویس کتابخانه طوقا پوسرای در استانبول، بنشان H. 1496، اندازه ۳۴×۲۵ سانتیمتر، ۶۸۶ برگ، با ۳۷ مجلس، خط نستعلیق، بخط محمد بن محمد بن محمد علی مشهور به بقال، مورخ ششم ذوالحجه ۸۶۸ هجری قمری (برابر دهم اوت ۱۴۶۴ میلادی).

این دستنویس نیز جزو کتابهای وقفی صفویه در مقبره شاه صفی بوده است و در صفحه نخستین آن عبارتی از شاه عباس بزرگ (۹۸۹ - ۱۰۳۸) در وقف کتاب آمده است: هو. وقف نمود این کتاب را کلب آستانه علی ابن ابی طالب علیه السلام عباس الصفوی بر آستانه منور شاه صفی علیه الرحمه که هر که خواهد بخواند مشروط آنکه از آن آستانه بیرون نبرند و هر که بیرون برد شریک خون امام حسین علیه السلام بوده باشد ۱۰۱۷. در بالای همین صفحه و چند جای دیگر کتاب مهر وقف خورده است با عبارت: وقف آستانه متبرکه صفیه صفویه و تاریخ ۱۰۱۷. دو صفحه بعدی دو تصویر تمام صفحه ای دارد. متن این دستنویس با مقدمه منشور آغاز می گردد: سپاس و آفرین خدایا که این جهان و آن جهان را آفرید و بندگان را در جهان پدیدار کرد... این مقدمه همان مقدمه کهن است که به افسانه محمود و فردوسی و هجونا مه می انجامد. صفحه نخستین مقدمه منشور دارای سرلوحه است و عبارت لوحه آن بخط کوفی و چنین است: باسم الصمد المعین. دو صفحه نخستین متن اصلی دارای چهار لوح در بالا و پایین صفحات و در کتیبه آنها بخط کوفی نوشته است: کتاب شاهنامه - من کلام افصح الشعرا - حکیم فردوسی - رحمه الله علیه. متن این دو صفحه در دو ستون و ۹ سطر نوشته شده است. صفحات دیگر در چهار ستون و ۲۱ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرتویس دارای ۴۲ بیت است، ولی در برخی صفحات بیتهایی را نیز چلیپا نوشته و میان آنها را گل و بوته انداخته است. در این

دستنویس شاهنامه به دو بخش تقسیم شده است. بخش نخستین تا پایان پادشاهی کیخسرو. پایان این بخش چنین است:

هزاران درود و هزاران سلام بجان محمد علیه السلام

تمام شد نصف اول شاه نامه و السلام. بخش دوم با پادشاهی لهراسپ آغاز می گردد. صفحه نخستین آن دارای تصویر بزرگ و سرلوحه است و در سرلوحه آن بخط کوفی نوشته است: لهراسپ نامه. از تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس تنها بیت: سرآمد کنون قصه یزد گردد... آمده است و پس از آن بیتهایی در ستایش محمود دارد و کتاب چنین پایان می رسد:

چوشه نامه نامی اتمام یافت امیدست که خواهی بسی کام یافت

وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله وصحبه اجمعین الطیبین الطاهرین والحمد لله رب العالمین در تاریخ ششم ماه ذوالحجّه الحرام سنه ثمان و ستین و ثمانمائه الهجریه الهلالیه المحمد به علیه افضل الصلوة واکمل التحیات و سلم تسلیماً کتبه العبد محمد بن محمد بن محمد علی المشهور ببقال. والسلام.

۲۲- دستنویس انجمن آسیایی بنگال در کلکته Asiatic Society of Bengal، بنشانی No. 69، ۶۳۷ برگ، بدون تصویر، خط تعلیق، بخط قوام الدین، مورخ شوال ۸۸۲ هجری قمری (برابر ژانویه ۱۴۷۸ میلادی).

این دستنویس با مقدمه منثور آغاز می گردد که آغاز آن رفتگی دارد، ولی همان مقدمه کهن است که پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه می انجامد. دو صفحه نخستین متن اصلی دارای چهار لوح و حاشیه سازی است. متن صفحه نخستین در دو ستون و نه بیت و متن صفحه دوم در دو ستون و هشت بیت نوشته شده اند. لوحه های بالا و پایین صفحات گویا دارای عنوانی هم هست که در میکروفیلم دیده نمی شود و یا شاید هم خالی مانده است. صفحات دیگر در چهار ستون و ۲۱ سطر جدول بندی شده و هر صفحه بدون سرنویس دارای ۴۲ بیت است. در آغاز کتاب بخط دیگر نوشته است: ابیات این شاه نامه پنجاه هزار و پانصد بشمار در آمد. همچنین در آغاز کتاب به انگلیسی خط کتاب را شکسته نستعلیق شناخته است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال ۳۸۴ هجری قمری است و پایان صفحه آخر کتاب چنین است:

سرآمد کنون قصه یزد گردد به ماه سفند ارمذ روز ارد

ز هجرت سه صد سال و هشتاد و چار بنام جهان داور کردگار
تمت هذا الكتاب بعون ملك الوهاب بخط عبد الضعيف النحيف... قوام الدين
بلعادی (؟) فی يوم الجمعة وقت الظهر در ماه شوال شهر اثنین ثمانماه... من الشاهنامه من
کلام ملک الفضلا افضل الشعراء المعروف بفردوسی طوسی رحمة الله عليه.
يلوح الخط في القرطاس دهرا و کتابه رمیم فی الترابی

۲۳- دستنویس کتابخانه ملی اطریش در وین Oesterreichische National Bibliothek، بنسشان Mxt. 378، بدون تصویر، خط نستعلیق، بخط مسدی (؟)
بن محمد بن علی مرشدی، مورخ جمعه پانزدهم شوال ۸۸۲ هجری قمری (برابر بیستم
ژانویه ۱۴۷۸ میلادی).

این دستنویس با مقدمه منشور آغاز می گردد: حمد و سپاس و ستایش هر خدایی را که
این جهان و آن جهان بقدرت بالغ پدید آورد... این مقدمه همان مقدمه کهن است، ولی
پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه می انجامد. سرصفحه نخستین کتاب را
برای تزیین جدول بندی کرده اند، ولی خالی مانده است. صفحه نخستین متن اصلی
دارای سرلوحه است با عبارت: شاهنامه مولانا فردوسی. صفحات کتاب در چهار بیتون و
۲۷ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۵۴ بیت است.
در کنار صفحات برخی توضیحات به ترکی عثمانی آمده است. متن شاهنامه در این
دستنویس به دو دفتر تقسیم شده است. دفتر نخستین تا پایان پادشاهی کیخسروست و با
این بیت پایان می رسد:

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد علیه السلام
دفتر دوم با پادشاهی لهراسپ آغاز می گردد. سرصفحه نخستین این دفتر را برای
تزیین جدول بندی کرده اند، ولی آن هم خالی مانده است. صفحه ماقبل آخر این
دستنویس افتاده است و از این رو تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس معلوم نیست.
متن پایان صفحه آخر کتاب چنین است:

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد علیه السلام
تمت الكتاب بعون الملك الوهاب وصلى الله عليه وعلى اله واصحابه وازواجه وذرياته
وسلم فی وقت صلوة العصر يوم الجمعة خامس عشر شهر شوال لسنه اثنین ثمانماه علی
بدا العبد الضعيف المنيب الخاطی مسدی (؟) بن محمد بن علی المرشدی. اصلح الله شأنه و
احواله و غفر ذنوبه... (تاریخ را به عدد هم نوشته است)

نوشته بماند بخط میاه نویسنده در خاک گردد تباه
نوشته بماند بخط غریب نصر من الله وفتح قریب

۲۴- دستنویس کتابخانه چسریتی در دبلین، نشان Ms. P. 157، ۵۷۲ برگ،
با ۲۹ مجلس، خط نستعلیق، بخط محمد بقال، مورخ جمادی الاول ۸۸۵ هجری قمری
(برابر ژوئیه ۱۴۸۰ میلادی).

این دستنویس با مقدمه منثور آغاز می گردد: سپاس و آفرین خدا را که این جهان و آن
جهان را آفرید و بندگان را در جهان پدیدار کرد... این مقدمه همان مقدمه کهن است، ولی
پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه می انجامد. دو صفحه نخستین کتاب
دارای چهار لوح و حاشیه سازی است و در هر صفحه ۹ سطر نوشته است. در کتیبه لوحه ها
بخط کوفی نوشته است: الحمد لله تعالی و بقده - الحکم لله تعالی و بقده - القوه لله
تعالی و بقده - القدره لله تعالی و بقده. صفحه نخستین متن اصلی دارای سرلوحه است
با این عنوان بخط کوفی: من کلام حکیم فردوسی. این صفحه در چهار ستون و ۱۸ سطر و
صفحات دیگر در چهار ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و
سرنویس دارای ۵۰ بیت است، ولی در برخی صفحات بیت هایی را هم چلیپا نوشته است.
متن کتاب در این دستنویس به دو بخش تقسیم شده است. بخش نخستین تا پایان
پادشاهی کیخسرو و این گونه پایان می رسد:

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد علیه السلام

تمام شد نصف اول شاه نامه و الحمد لله رب العالمین و التلم. بخش دوم کتاب با
پادشاهی لهراسب آغاز می گردد و صفحه نخستین آن نیز دارای سرلوحه است با عنوان:
کتاب لهراسب نامه. تاریخ ختم شاه نامه در این کتاب سال ۴۰۰ هجری قمری است:

بسماه سفنند ارمند روز ارد بر شد کنون قصه یزد گرد

ز هجرت شده پنج هشتاد بار که گفتم من این قصه شاهوار

پس از آن بیت هایی در ستایش و هم نکوهش محمود از هجوتامه می آید و کتاب چنین
پایان می رسد:

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد علیه السلام

تم الكتاب بعون الملك الوهاب والصلوة على محمد واله اجمعين در تاریخ شهر جمادی
الاول سنه خمس وثمانین وثمانمائه العبد محمد بقال.

اسم

لذین

له من

Oesi

ج (۹)

پایست

د

بر را که

تعالی ولی

بالباب را

اصلی

مستون و

تاست.

در این

ت وبا

آ

برای

آخر این

نیست.

م

و ذریانه

عابه علی

لله شانه و

۲۵- دستنویس کتابخانه چتریشی در دبلین، بنشان Ms. P. 158، ۵۹۳ برگ، با ۲۵ مجلس، خط نستعلیق، کاتب ناشناس، مورخ دوشنبه بیست و سوم جمادی الاول ۸۸۵ هجری قمری (برابری و یکم ژوئیه ۱۴۸۰ میلادی).

دو صفحه نخستین کتاب دارای دو تصویر تمام صفحه ای است. پس از آن مقدمه منشور آغاز می گردد: سپاس و آفرین خدایرا جل جلاله که این جهان و آن جهان آفرید و ما بندگانش را پدید کرد... این مقدمه همان مقدمه کهن است، ولی پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه می انجامد. صفحه نخستین مقدمه منشور دارای سرلوحه است و عبارتی هم دارد ولی در میکروفیلم خوانا نیست. دو صفحه نخستین متن اصلی دارای چهار لوح و حاشیه سازی است و در کتیبه لوحه های بالا و پایین صفحات آمده است:

بر شاهان عالم شاهنامه فزون آمد ز گنج خسروانی

برافروزنده چون فردوس اعلی فروزاننده چون سبع المثنائی^۵

این دو صفحه در دو ستون و یازده سطر و صفحات دیگر در چهار ستون و ۲۴ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۴۶ بیت است، ولی در برخی صفحات بیت هایی را هم چلیپا نوشته است. دوازده صفحه از کتاب را که بیشتر آنها دارای تصویرند از جاهای مختلف کتاب جدا کرده و در پایان کتاب گذاشته اند. خط کتاب یکدمست نیست. مقدمه منشور و نیمه دوم کتاب به یک خط زشت تر و نیمه نخستین کتاب به یک خط بهترست. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال ۳۸۴ هجری قمری است و پایان کتاب چنین است:

سرآمد کنون قصه یزدگرد به ماه سفند ارمند روز ارد

گذشته از آن سال سیصد شمار برو بر فزون بود هشتاد و چار

ز ما بر روان محمد درود همی تا بود روز و شب تار و پود

تم الكتاب بعون الملك الوهاب في يوم الاثنين ثالث عشرين شهر جمادی الاول سنة خمس وثمانين وثمانماية الهجرية النبوية صلى الله عليه وعلى آله وصحبه اجمعين وسلم تسليمًا ابدًا كثيرًا.

۲۶- دستنویس کتابخانه طوقهاپوسرای در استانبول، بنشان H. 1489، اندازه ۳۵/۵×۲۵/۵ سانتیمتر، ۵۴۰ برگ، با ۳۷ مجلس، خط نستعلیق، کاتب ناشناس، مورخ ۸۸۷ هجری قمری (برابر ۱۴۸۲ میلادی).

کتاب با مقدمه منشور آغاز می گردد: سپاس و آفرین خدایرا جل جلاله که این جهان و

آن جهان آفرید و ما بندگان را اندر جهان پدید و... این همان مقدمه کهن است، ولی پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجوناامه می انجامد و در پایان آن فهرست مطالب می آید. دو صفحه نخستین کتاب دارای چهار لوح و حاشیه سازی است و متن در یازده سطر نوشته شده است. در کتیبه لوحه های بالا و پایین صفحات بخط کوفی نوشته است: هذه کتاب - شاه نامه مولانا - فردوسی - طوسی علیه الرحمه. صفحه نخستین متن اصلی دارای سرلوحه است با کتیبه ای بخط کوفی با عنوان: لهراسپ نامه (۹). صفحات کتاب در چهار ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۵۰ بیت است، ولی در برخی صفحات بیت هایی را هم چلیپا نوشته است. متن کتاب در این دستنویس به دو بخش تقسیم شده است. بخش نخستین تا پایان پادشاهی کیخسروست. پایان صفحه را برای عبارت پایان این بخش جدول بندی کرده اند، ولی خالی مانده است. همچنین سرصفحه آغاز بخش دوم، یعنی آغاز پادشاهی لهراسپ را برای لوحه بندی خالی گذاشته اند، ولی ترزین نیافته است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال چهارصد هجری قمری است و پایان متن صفحه آخر چنین است:

سرآمد کنون قصه یزدگرد
بمآه سفند ارمد روز ارد
ز هجرت شده پنج و هشتاد بار (۹)
بنام جهان دادگر کردگار

تمت الكتاب الموسوم بشاهنامه من كلام ملك الشعرا فردوسی غفرالله له فی يوم الجمعة
لسنه سبع وثمانین وثمانمائه الهجریه.

۲۷- دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، بنشان Add. 18188، ۵۰۰ برگ، با ۷۲ مجلس، خط نستعلیق خوش، بخط غیاث الدین بن بایزید صراف، ۷ مورخ بیست و سوم جمادی الثانی ۸۹۱ هجری قمری (برابر بیست و ششم ژوئن ۱۴۸۶ میلادی). این دستنویس مقدمه منشور را ندارد و با متن اصلی آغاز می گردد. صفحه نخستین متن دارای سرلوحه است با عنوان: کتاب شاه نامه من کلام حکیم فردوسی. صفحات در چهار ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۵۰ بیت است، ولی در برخی صفحات بیت هایی را هم چلیپا نوشته است. برخی از صفحات کتاب از جای اصلی خود بیرون رفته اند. از جمله از اواخر داستان جنگ مازندران تا میانه داستان سیاوش یعنی بیش از هفتاد صفحه بیایان ضحاک رفته است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال چهارصد هجری قمری است: سرآمد کنون قصه یزدگرد... (مانند دستنویس ۶۷۵). پایان متن صفحه آخر کتاب چنین است:

سوم

ل

اول

ندمه

وما

بود و

بارتی

لوح و

۱ سطر

لی در

نر آنها

خط

نستین

هجری

اول سنه

ن و سلم

اندازه

مورخ

جهان و

هر آنکس که دارد هش و رای و دین پس از مرگ بر من کنند آفرین
 وقع الفراغ من تحريره العبد الضعيف النحيف غياث الدين بن بايزيد صراف في ۲۳
 جمادى الثاني منه ۸۹۱.

۲۸- دستنویس کتابخانه طوقا پوسرای در استانبول، بنشان H. 1056، اندازه
 ۳۴/۵×۲۲ سانتیمتر، ۵۹۴ برگ، با ۵۲ مجلس، بخط نستعلیق، بخط هبة الله بن جلال
 الدين محمود بن مسعود قاضی کازرونی در شیراز، مورخ سه شنبه سوم جمادى الثاني ۸۹۱
 هجرى قمرى (برابر ششم ژوئن ۱۴۸۶ میلادى).
 این دستنویس با مقدمه مشهور آغاز می گردد: بسم الله الرحمن الرحيم وبه تقى و عليه
 التوكلى.

افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال به ثنای ملک الملک خدای متعال
 این مقدمه همان مقدمه بایستقری است و از مقدمه کهن چیزی ندارد. دو صفحه
 نخستین کتاب دارای چهار لوح و حاشیه سازی است و متن هر صفحه در سیزده سطر نوشته
 شده است. صفحه نخستین متن اصلی دارای سرلوحه است با عنوان: آغاز کتاب شاه نامه.
 صفحات در چهار ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و
 سرنویس دارای ۵۰ بیت است. آغاز یادشاهی لهراسب دارای سرلوحه است با عنوان
 لهراسب نامه بخط کوفی. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال ۳۸۴ هجرى قمرى
 است و پایان متن صفحه آخر چنین است:

سرآمد کنون قصه یزدگرد بمه سفتند ارمذ روزارد
 ز هجرت شده سیصد از روزگار چو هشتاد و چار از برش بر شمار
 شفیع محمد امام علیست بدین هر دو یا هم ری هم وصیت (؟)

فرغ من تحریر هذه الابیات و تقریر تلک الاشعار المسمى بشاهنامه من اقوال افضل
 المتقدمین ابوالقاسم المسمى بفردوسی فی يوم الثلاثاء ثالث شهر جمادى الثاني سنة احدى و
 تسعين وثمانماية الهجرية بدار السلطنة شیراز. کتبه اضعف عباد الله و اقل خلق الله المعبود
 الغنى المغنى هبة الله بن جلال الدين محمود بن عماد بن مسعود القاضى الكازرونى
 الهاسمى (؟) اصلح الله لهم و ستر عيوبهم و غفر ذنوبهم. و در دو گوشه: الخط یقی زمانا
 بعد کاتبه - و صاحب الخط تحت الارض مدفون.

این دستنویس روایت سده و روایت کشتن رستم پیل سپید و گرفتن کوه سپند و روایت
 پادشاهی گرشاسب را ندارد.

۲۹- دستنویس کتابخانه دولتی برلین Deutsche Staatsbibliothek، بنشان Ms. Or. 2 4255، اندازه ۳۶×۲۵ سانتیمتر، ۳۱۸ برگ، با ۸۷ مجلس، خط نسخ، بخط شمس الدین علی بن محمد بن حسینی فشتقی کرمانی، مورخ پنجشنبه نوزدهم رجب ۸۹۴ هجری قمری (برابر هجدهم ژوئن ۱۴۸۹ میلادی).

این دستنویس با مقدمه منثور آغاز می گردد: حمد و ستایش مرخدای را که این جهان را و آن جهان را بقدرت بالغ پدید آورد... این مقدمه همان مقدمه کهن است که پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه می انجامد. صفحه نخستین کتاب دارای سرلوحه است با عنوان: کتاب شاهنامه من کلام حکیم فردوسی. دو صفحه نخستین متن دارای چهار لوح و حاشیه سازی است و در کتیبه لوحه ها بخط کوفی نوشته است: الحمد لله تعالی - الحکم لله تعالی - القوه لله تعالی - القدره لله تعالی. این دو صفحه در چهار ستون و یازده سطر و صفحات دیگر در شش ستون و ۲۹ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۸۷ بیت است، ولی در برخی صفحات بیهایی را هم چلیپا نوشته است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال ۳۸۴ هجری قمری است:

سرآمد کنون قصه یزدگرد به ماه سفند ارمند روز ارد

ز هجرت سیصد (?) سال و هشتاد و چار بنام جهانداوز کردگار

پس از آن چند بیتی از هجوتامه می آید و کتاب چنین پایان می رسد:

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد علیه السلام

هزاران درود و هزاران ثنا ز ما بر محمد شه انبیا

تمة الكتاب شاهنامه من تألیف حکیم ابوالقاسم ابومنصور بن احمد الفردوسی الطوسی نور مرقدہ فی الیوم الخمیس تاسع عشر شهر الله لاصب رجب المرجب لسنة اربع وتسعين وثمانماية الهجرية صاحبه و مالکة حضرة شهریار و شهر یارزاده اعظم اقدم لکم افتخار اعظم لا کابر فی الزمان خواجه کریم الدوله و السعاده و لاقبال و الذین حسن بن عالیحضرة افاده دستگاه خلایق پناه مخدوم و صاحب قران اعظم افتخار الصواحب الکبار المویذ بتایید الملک الصمد خواجه علا الدوله و الدنيا قال محمد الفخر آبادی الرامجردی رفع الله معارج اقتدارهما عالی رب... (?) فالسعاده. علی يد العبد الضعیف النحیف الفقیر الحقیر المحتاج لکی رحمة الله الملك المتعالی شمس الذین علی بن محمد بن الحسینی الفخر دین الفشتقی الکرمانی عفا الله عن سیأتهم...

این دستنویس قبلاً به کتابخانه پادشاه عثمانی سلطان عبدالحمید (۱۸۳۹ - ۱۸۶۱) تعلق داشته است و مهر او جای جای در کتاب هست.

یادداشتها:

۱- نگاه کنید به:

A.M. Piemontese, Nuova Luce zu Firdausi: Uno "Šāhnāma" datato 614 H./1217 A. Firenze, Annali dell' Istituto Orientale di Napoli, Volume 40 (N.S.XXX), 1980, pp.1-91.

۲- درباره برخی مشخصات دیگر دستویسهای شاهنامه کتابخانه طوقاپوسرای نگاه کنید به:

Fehmi Edbem Karatay, Topkapi Sarayı Müzesi Kütüphanesi ..., İstanbul 1961 (T.S.M. Yayınları, No. 12).

۳- ایرج افشار، کتابشناسی فردوسی، چاپ دوم، تهران ۱۳۲۵، رویه ۲۱۳.

۴- نگاه کنید به: میمنه ۲/۲۵۳۵ و مجموعه سخنرانیهای دومین جشن طوس ۱۳۲۵، رویه ۴۵-۵۶.

۵- سبع المثانی به تعبیری سورة فاتحه است چون از هفت آیه تشکیل شده است. و به تعبیری که در تفسیر ابوالفتح رازی آمده است هفت معنی است که قرآن بر آن مشتمل است: امر و نهی و بشارت و انذار و مثل و قصص و تذکیر نعیم. نگاه کنید به: علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ذیل سبع المثانی.

۶- نام کاتب در کتابشناسی فردوسی، رویه ۲۱۸ چنین آمده است: بهاء الدین بن قوام الدین بن کمال الدین یوسف علمدار.

۷- نام کاتب در کتابشناسی فردوسی، رویه ۲۱۹ به نادرست: هبة الله بن جلال الدین محمود شیرازی آمده است.



مرکز تحقیقات کتب و تاریخ علوم اسلامی